

قیمت سیالانه و آبروی
هندستان دیر ۲۰۰ روبر
ایران افغانان سی پسران
اروپا و من حبیبیت کوکک
مالک عمانی پنج محمدی
مالک ریخته وینات
کینسه هندون چهارانه
ایران یکستان

حکایت
سیاره زینب و یازده

حکایت

قیمت بیاض سیدیه
بدون نمونه ام سیدی و زده خواهد

نمره همیشه
اداره مرکزی جلالیه
ملکت لرجهت رود رود (۱۲۰۰)
کارهای مختلفه اداره و بیرون
جلال الدین لای القفس
به بیست و پنج بیستم
خطه اشیا مطابق ۱۷
ماه جون ۱۳۰۵ اسلاری
هر دو شنبه طبع و شنبه تعیین

درین باره که علم و سیاست در میان سیاست و سیاست در میان سیاست و سیاست در میان سیاست

(سیاسی)

از جمله مسائل سیاسی که غالباً از اهمیت بیست و هفت و هشتاد و نود و یک است
دولت فتنه ازیم فی الفتن یا فتنان سلطان را کو زیادتی میکرد و را کمال
کرد که ملت سپانیا و چهار جنگ و دولت آرزو فاست و دولت سایر نیشتر است از آنچه
واری که توسطه آنکو شمرده که بعضی حالتی تحلیله سلطان را کو نموده است استقا
سلطنت را کو بر اسطر رقابت دولت است و دولت انگلس هرگز رضا نخواهد
که دولت فرانسه زیاد بر حقوق خود را کو تصرف نماید و در فتنه که او هم که در فران
قبیل سباب اختلاف دولت فتنه که کرد که دولت فرانسه از برای فتنه سلطان
را کو باز آید

انتخابات ترکی میسیونر که دولت عثمانی و در بزرگ معاشرت معاشرت
مسئله تقسیم سوریه امروضا بحث خواهد کرد پیشتر تقسیم قسلی بر پایه پیشتر نمودن آن
که در دولت عثمانی الزام طرف هم در این باره قبل بنهات ترکی است که از این سرور
انگلستان هم وقت از این زود و سعی از سعادت بریزد و در اسلام بداد دولت ملنه
عثمانی الهام فعالیت کرده که در دولت سابقه را از این میانند از وقت دولت انگلس با
من باب جنگ جنسی سردان بهانه بندگی در وقت نیست و در وقت دولت
بهینده ان مدل یکت

این ایام جنگ اسپانیا و آرزونی زاید بر هفته گذشته است پدید کرده و سنی
درین هفته زود و زود میشد از تکرار فتنه طهری شود چند میدان جنگ
در کوبا و فیلیپین میسازد و کلتین تنها همین آرا بی گذشته در هر سیکه ان طبع فتنه
دولت آرزونی بود و این مسئله آنکی نار و دیده سیاه چون قبل از وقوع جنگ
میسه نشنیده و قبیله که اعلان جنگ میسازد و کلتین آرزونی و اسپانیا شد
جنگ کلتین این جنگ را تشبیه یونان و عثمانی کرده سنی چنانچه مسلم بود
که فتح و غلبه با دولت عثمانی است همان قسم سلطان فتح و غلبه با دولت
آرزونی نیست آنگون که در دولت اسپانیا با استکار صلح نشده است پس نیست
باشاره و بعضی از دول است با امید که جنگ میسازد و دل مومی شود و در آسما
شاید نقصانی اسپانیا کمتر که در وقت هفته گذشته در فتنه بود که
همت اقرب چهارات جنگی دولت سایر و نمره و فتنان اینها چهارات جنگی است
و دولت که المان و فتنه انگلس با این وقت و بریزد و فتنان بر وجه
پیوسته که دولت روس هم چهارات جنگی خود را از این فتنه
انگس و دولتین آرزونی و انگلس درین موقع توجه با ماردول را بسیار
این جنگ پیش که حقیقت اسپانیا و عثمانی را یکاشد و اگر جنگ مومی میشد
دول سایر روس و فرانسی المان خواهند که آرزونی کا فتنه نفع خود را
چینند و زود خیال سیاه چون زیاد و بجانب جنگ مومی میگردد این
نام دولت ملام دست پای خود را بجهت زودت نکات دولت آرزونی که مومی کرد
در خالف ظاهر دیو کلتین فتنه و آلمان و دولت آرزونی باشه فتنه

(تلاکفات خارجه)

۲۷ محرم - از لندن خبر رسید که روزنامه خبریه به بیان در که روزی در آنجا
جسیره افغانی منتهی به بشنگان شهر را در ظرف حواس انداخته بود و قسماً
برده اند - است این آیدارای بر این بود که قسماً سنی شریک با که الامت با
تسبیحاً که در بعضی از برادران این امر قبول کرده است کل استعار

گپستان بهارات آلمان را از جمله دیگران جدا کرده است بنام سبیل برین
اسپانیا و بهارات خود بجهت اطلاع افکار که اظهار کرده اند که در وقت
در زمانه سیم پیچ و طی درین محلات مملکت نماید
ایمان سبیل با قیدیان اسپانیا که در پرتغال در سال پیش سلوک را در
اطهار مکتوبی با آنها می نمایند

۲۸ محرم - از لندن فایده است که چنانکه زبان قلعه نیل برانند تا در زمان
در قلعه خود اری نمایند در میان جنگ از فرمانده در سیاحت تمام شد
ایستادگی اسپانیا از امیر العجم که از پیش کرده است که هر دو میلاد امیر
دیگر را نمایند از یکدیگر استبول کرده اند

۲۹ محرم - از لندن خبر رسید که امیر العجم از واشنگتن به سوی لندن
که قشون به جهت عمل بر یکدیگر می رسد و سبیل که حالت نا ارامت
شش روز که حال چهار هزار قشون که بی اسپانیا است از تمام (کیند)
محل شده بهارات تحت فندی (کیما)

از اخبارات متواتر معلوم شود که قشون اسپانیا را فرغ کرده و در آنجا
تبدیل اولیو شده
در قسماً سبیل که در چهارم جنگی اسپانیا که تحت خطای امیر العجم
برده دیده شده است

میان االیان و سرویان جنگ خفنی شده االی که در مقام امیرین قسماً
الی اسپانیا فرود آمد در مقام که در آنجا ترک با آنها ملحق شده االی بر کرد
جمعیه مدت که از طرفین بسیاری قتل رسیده

عنه شهر خندان در (دوبو) (دیتیلونا) االی از طرفه اخبار
و سلامت نیست و پنج مقامات اشاعت شده که در اسپانیا و در
شش روز بهارات از طرف خود در جوابی است رعایای خارجه سبیل
بهارات برادر شده اند که فرودمانند
ایمان سبیل این شهر (دیلا) که بعد از سبیل معتبر تر از هر شهرهای عزیزه
قبضه نموده چهارده سبیل از قشون اسپانیا که هزاران کت که

کرده اند و شجاعت و دلیری بکار برده اند

و هم شهر خندان از یک طرف خنده و درین حال که می کشند این امر
و امان روی دولت آذون ظاهر شده و فصل حالات سلام صحبت
حاکم غرضی از یکدیگر که کرده است خبر که االی اسپانیا سبیل
قطعه که کرده اند که در صورت سگور که اگر شود (استاد) و قشون
در استعمال دارند است که در باره کس شده و در قطع قطع نماید

در ۲۷ محرم - در روزی اسپانیا از فرانسسکو روز (تسبیح) و آینه
سوم شهر خندان - جنرال اسپانیا در این است که در اول کت
اطلاع داده که (جنرال) اسپانیا قشون زیاد را در اسپانیا گذاشته اند
در آنجا که هر دو میل فاصله است با سبیل که قشون اسپانیا از ویران کردن
بجایگاه فرود آمده قشون اسپانیا با آنکه سبیل از فرانسو جدا بوده است
و اتم آنها شده اند

۳۰ محرم - در چهارم جنگی فندی که در روز سبیل که اسپانیا شده برابر
بهارات جنگی آلمان سبیل که در
(تلاکفات خارجه)

چهارم شهر خندان - قشون دولت آذونی از قسماً سبیل (سبیل) که
رسید قشون اسپانیا که نشسته است تا چند روز دیگر اسپانیا سبیل
دولتین آذونی و در یکجنگ سختی شود

چهارم اسپانیا در تحت فرمان امیر العجم که در یک روزم دیده شده اند که
(کیما) امیر العجم اسپانیا است
دند اشکن خبر است که دولت آلمان دولت اسپانیا را ایستاد داده که ایا
در جنگ اسپانیا است از آنجا که

در جنگی که در سبیل از سبیل که فاصله است یک هزار و سه اسپانیا
دو سبیل اسپانیا است که در شهر فرود آمده است سبیل
از اسپانیا قسماً و چنانچه سبیل در میان قسماً و امیر العجم اسپانیا
قشون که در اسپانیا است که در یک مقام وقت می کشند با سبیل که در یک
هر قشون اسپانیا پیش قدمی نمایند نزدیک (مراکوی) بسیار از بهارات
استاد که هر دو صاف شود و سبیل فرود آمده

ایستاد از جنبه در در اسپانیا که در پای تخت اسپانیا سبیل
ایم فرانس و وزیران را فرانس متر کرده
بتوان لال که در سبیل فرود آمده که فرانس (اطراف) سبیل

رت بره

همسوز فرخوم شمع نشه و تا کنه چشم معلوم نیست که این میدان با کام کی گردد
 دل کشیشان کنه بهت پیش رفت متعصب خود که بظا هر دم و حوت دین می گای
 نوری بهت هزار باره جکس کوه که مصارف و عاده میسوزیه فرط هم تیا سک
 ارتقی و ترویج دین این قسم میشود و این ادارتیس روحانی کویسه که آنی از لغت
 فردا بهال میوزنده و از بدل ال و جان در راه مذہب خود درینخ میدارند هزار
 انیس که طای اسلام این نکات خاقل اند ترویج شریعت را صرف در همکار کردن
 علی و علی علیه و فصله آنها دانسته اند

یکی از کشیشان میگوید که در مسک نهصد هزار مسوی المذهب از رویان است
 تمام اینها مسلمان بوده اند از قتی که کشیشان نصاری بنجاک سید بهت عوت
 قسم نموده اند این همه نفوس را بدین نصاری شامل کردند (مگر که کشیشان
 با کشیشان میسوزان میسوزد و حرکت دین سوسی بر ایمی کند هرگز مسلمانان
 کایاب نخواهند شد کم از میسوزان نفوس یهودی و در اکثر ایلیا یونس
 تیرپولی وغیره موجودند بلا شبهه در وقت فرو رفت با میسوزان همای خود
 که حرکت اول نصاری هم که معین این است حرکت و عقده از کشیشان مذکور
 این است که اگر مسک جنگ ملی هم بنده نصاری علیه بر مسلمانان خواهند کرد
 آنکه اکثر کشیشان مذکور میگوید که ملت اصف پسند و ذراتس فمندان
 (یعنی وقت نصاری)

صدها و دهها سال از مسک از مسودان قبضه کرده اند بعد از فتح صوبه مذکور
 ابته ای بسوزی ۱۳۹۵ مردم شماری نمودند پنجاه هشت هزار نفر از شش
 چهل هزار آنها زن و بچه بود و در عرض یکسال نوزده هشتاد و پانزده
 این نوزده هشتاد و پانزده هزار مردان کاری بوده اند و در آنکه قابل هرگز
 کشت و زرع است هشتاد هزار اکر زمین رقیه این صوبه او تمام آنها قابل کشت
 این وقت صرف بهت هشتاد اکر زمین زراعت میشود و هشتاد و پانزده
 زراعت ترقی نمایان خواهد کرد

- یکی از کشیشان فیه نموده صوبه (کوکس) زمین بازگی کشته شده دولت
 فیه این زمین امور را تخیل را مطالبه نموده است
- (۱) شصت هزار روجه دولت زمین قدر بارشان کشیشان مذکور بود
 - (۲) در آن سالی که کشیشان کشته اند دولت زمین از طرف خود یاد کاری بهت آن
 کشیشان سازد
 - (۳) از لیکن آن تا تک راه آهن ساخته و صل بند را در آنک توک نمایان است

جسود این مراتب را قبول ده است این است تخریب و تخریب
 در ملک فارجه (مرد و آفرین مبارک بنده است)
 در شهر شاپورین که از مصافات موبدا (پروپی) است نمایانست
 نموده که کمانه را آتش زده که اول خسار جزیینه منی لغت شده است و بیضا
 را چون راه مسک آتش زده اند مالا باید دید که در خصوص چه که بهت چن قیطنه
 دسه دار نام نگم از هفت سال است ترجم میر قاضان بود و در پشاور
 شده که بکله بیاید و صی کارها بنات لوازم دیگر را بهت نیست قاضان
 ملک نمایان میر قاضان تمام هم خود را مصف و بچند امر کرده است اول
 تاه کردن دست اجانب از قاضان خواه بوسیله تجارت باشد یا بیست
 یا بیست کشیشان دوم از دیاره عربی خود سوم رفع احتیاج قاضان را مابده
 هندی سردانی در تشب بوار از زمان ادارا اداره کرده اند و در آن
 جکس کرده است بهت نفع زمین سلوم شد و اینک فیلی بهت خواهد داشت
 اسکل نسبت ببال گذشته از بندر (فوج) چین شانزه و لیون رطل عالی
 کتر خارج شده است این نصانی را دو سبب است یکی ترقی عالی اینست
 و دیگری اقتشانات اندرونی چین چه از پرورت زراعت معلوم می شود که
 حاصل عالی کتر نموده است

باشندگان چین بر خلاف سلطنت عالی مستند بناوات اند و خیال ما
 رعایا متوجه این او شده که پادشاه عالی ملک چین را بنظر نگان میسوزند
 و مست پادشاه فتریک میست و در آن شده چندگی قبل از خانه شاهر خود
 فندار کرده مشایلهها را در دیوانه ماز فخر من جکس کرده اند اینجالی بسیاری
 این جسدن لیا و شمی است

دولت روس در مغربی سایه بهت آبادی مزایع هفت لیون اکر زمین
 بزراعت داده است

و کجیل دولت اسپانیا و فیه از شتران خریدن اکر مسلمان ملک است این هم
 دلیل است بر تفاق باطنی فرانسه اسپانیا و کجالی بسیاری از زبان است
 ذواب اشرف و الا هزاره فندان فراد ال ایالت جیلا فاین من باب ال قاضانی
 جسد بنده جاس تا کم را بوشهر و نایب الحکومه را جاز من طلب فرموده اند
 تمام تجار کشته و در شتر و در ذول و سایر درستان از نبودن پرست
 در مسک فریاد دارند (اداره جبل اللین) یکم درین فریاد آنها شریک است
 و داریم که حضرت وزارت پرست تو به خصوص دین از صبیله بزرگترین
 نصانی تجارت نبودن پرست است

(بند عباس)

اگرچه وقایع نگاران جبل المین تمام وقایع جدید بند عباس که قابل ذمرا
 گزیده نغزین تا سفاقت کا با داره اطلاع داده بودند بسوزمانتشته
 اخبارات انگلیسی بهر آن سبب که شاخ و برگ اشاعت داده اند با تیر جزایان
 انگلیسی برین بنیته قناعت میکنیم بکدام قول وقایع نگاران خود را در بجه
 اخبارات انگلیسی که از کرده اند خواهیسم نگاشت
 دولت ایران خصوصاً هات بزرگ کام بسند در اردان کم تجربت کم
 علم و کم مایه و حیثیت تقریر میکنند بسببش جان جل اجاره است مردمان در
 کاپیتان که برگزیده اتی اجاره نخواهند کرد چه زاید از مقصد هر کس اجاره
 کند لابد است که زاید بر دیوان مقرر را در مردم وصول کند و جهان عمل جریبا
 ناراضی معایا شده اسبابی هستند که نفع و فساد میشود لابد مردمان
 و خام را اجاره و اگر چه با مروتیت حکومت جز میفرستند آنها ندان
 خود را تیر کرده مثل کسی که از قطب بیرون آمده باشد و بطعام و آفری رسد
 به کسب و طوار آید بخرا یک در تیر بلیده آنوقت با خیال نمیکند که شاید
 این لقمه بزرگ بشمگوی او را بیکرد و یا اگر این طعام زهر بشمورت کجاست
 او کرده و با جوع البقره حرم و طبع آنکه خود را بکام میکند کام بران یعنی
 با موری بجه که در کوه میست هزار روپیه شهری را اجاره میمانند پیش
 نفس و خیال میکنند که ما این شهر را خیزه ایم و باشندگان این بلده هم
 که عید و جواری بزنند یا ایاشند پس بر پر از مال دنیا آنها در دست
 دارند تمام حق طلق است بر سر او که مکن شود باید داخل کردن دست
 بالای دست خیزه بینند و علامه نمی تواند مردم را عارت کنند و کصد
 اسباب معنی بر آید راهی بجهت داخل پیدا میکنند کام جرد در اموریت
 خود را در کور مورتیت کجک رفاهیت معایا در نفع قلب نیاشند تمام هم نشان
 منفرد داخل است بواسطه داخل شخص بسیار شود که ملک را خراب و رفاه
 بنا میکنند اگر چه سبب این امور بیشتر جهالت است ملی اسبابی دیگر هم
 دارد ثبوت این معنومان به ملاقات جدید بند عباس
 است محمد حسن خان نامی تاریکی از بند عباس است دو قانع نگار
 جبل المین و از ایاب الکوته عباسی را نوشته است بجهن کرگ عا که در
 رده که سفینه اوفتد تمام رعایا را میزاکرد و چنانچه شخص محمدی از تجار که از اجا
 دولت ایران بکم استیبار محسوس دارد و آن شخص قمر حاجی منگه داری که
 از جانب دولت ایران این که با بند عباس است و در عارت حکومتی طبعی

پس از سوال و جواب چند سنه گذاری بسیار برین اوله بنای فاشی را
 نهاده و هیچکس خوب گنشم عارت حکومتی را در شش فایده تصور کرده ماکم و حکومت
 عارت حکومتی که در آن شهر مقام تدریس سلفیت دارد و در نزد تمام دول روی
 محترم تر از سنده حکومت مسیحیت دست بر کشیده بنای زدن شست
 و لگه را میگزارند آنرا هر کار بجائی برسد که او از تیلک از عارت حکومت تدریس
 از نوکامی آتش تاجر را حکومت از پارسیا آورد و وقایع نگاران نوشته که مسلم نیست
 تنگ را کی خالی کرد فانی از شاههای حکومت کرد و بنشین حکومت و در کمالین تجار کلا
 عرو است نفع نند به نند زنده است و در هزار تمار و کجریه و نجهت اصول و بیگنا
 کردی آن دو نفر تاجر که اخبارند که نوشته و وقایع نگارین بیگناهای محمدی فریون
 از وی که در دست آورده و عالم در نهایت انحراف و دیگری قایم با اگر از ساد است
 سز قمر است حکومت بند عباس (ایاب الکوته که در حکومت) بدون
 و جواب آن دو نفر میبایستی و مصلح را زید چوبانده خسته تدریس که محمود آنها را چوب
 زده یکی را یک روز و یکی را دو روز محبس نموده ادعای محمد را کرد و در دست با شتم
 و در روز مدعی مدعی طبرستان فارس اخبارات تلگرافی را در نند تا جواب آید
 را زید از محبس خان ایاب الکوته را طلب کرده اند بر موجب اخبارات از ایاب حکومت زیاد
 تبدیل شده باشند و حالا باید که حاکم فیدگی روی کار دارد

(جبل المین)

این سنانات اخبارات انگلیسی مکتبه نفع اقتصاد نوشته چون متوقع پیشان در دست
 ایرانیان خوب میدان داری کرده اند و حقیقت معایا تهرانی انصافی مکن روی اقتبا
 مایند میبایست اخبارات انگلیسی را قول قانع نگاران خود برین عنوان بپوشانند که با تیر
 که با هم نوشته اند صرف معنی قیامات را از قول قانع نگار خود نوشته خارج از عنوان خبریت
 مذکور کرده و در میان خود او هم معنی قول قانع نگار خود و معنی اخبارات انگلیسی حکم کام
 تصدیق میکنند علی حدوث این اقدار به است صرف نیست تصور کرد کام دولت
 با تسلیم میکنم که تصور از این چهار است از شخص ایاب الکوته این که معنی اخبارات انگلیسی
 که وقت دولت در نظر او در بنام تاجران و معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین
 و منفرد معانی نامداری توان تیران بزرگ کرده و در میان تمام کجریه و نجهت اخبارات انگلیسی
 در کوه مانا و قانع نگار زید یکی را به زید یکی را به زید یکی را به زید یکی را به زید یکی را به زید
 و مردم بنده از مردم شش مردان که در کام او از سبب معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین
 در سر دیوان شش بر عباس مکن است خبر قوی نامداری که در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته
 قابل رسته است در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته
 ایشان شده ملاقات با اولیای معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته

این سنانات اخبارات انگلیسی مکتبه نفع اقتصاد نوشته چون متوقع پیشان در دست
 ایرانیان خوب میدان داری کرده اند و حقیقت معایا تهرانی انصافی مکن روی اقتبا
 مایند میبایست اخبارات انگلیسی را قول قانع نگاران خود برین عنوان بپوشانند که با تیر
 که با هم نوشته اند صرف معنی قیامات را از قول قانع نگار خود نوشته خارج از عنوان خبریت
 مذکور کرده و در میان خود او هم معنی قول قانع نگار خود و معنی اخبارات انگلیسی حکم کام
 تصدیق میکنند علی حدوث این اقدار به است صرف نیست تصور کرد کام دولت
 با تسلیم میکنم که تصور از این چهار است از شخص ایاب الکوته این که معنی اخبارات انگلیسی
 که وقت دولت در نظر او در بنام تاجران و معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین
 و منفرد معانی نامداری توان تیران بزرگ کرده و در میان تمام کجریه و نجهت اخبارات انگلیسی
 در کوه مانا و قانع نگار زید یکی را به زید یکی را به زید یکی را به زید یکی را به زید یکی را به زید
 و مردم بنده از مردم شش مردان که در کام او از سبب معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین
 در سر دیوان شش بر عباس مکن است خبر قوی نامداری که در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته
 قابل رسته است در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته
 ایشان شده ملاقات با اولیای معنی قول قانع نگار خود نوشته عارت که در کمالین معنی قول قانع نگار خود نوشته

(مدارس جدید کلمات)

مدیر در کلمات و باب کتابت آینه جسته در موجود است یکی از آن معلم خانه بریاست آقا شیخ حسن که بیانی در سنه بان فدا است کتب دیگر که تازه سرکار مقصد السلطان آقا میرزا امیرعلی خان خود شخصی است که خودش در کس روسی میباید و در کز این دو باب کتابت آینه و شهرت دارا که در ایالت کبرای کسان است بهر دو کتب شاگردان مشغول تحصیل السند خارجه از مکتب کتب عالییه خان معلم در روسی رونقی و دیگر که در کس نیز در ماه نیست این کتب احداث پایدار شده بعد متنی نغز که موجود دارد بعد آنچه نوشته شده اند

(حکومت گیلان)

جناب صد السلطنه امیر تومان حکمران از جبهه تمام مشغول رسیدگی امورات کلی و مهم دولتی است بطوری که دقیقه افزودن گذاری ندارد همین دیوان هم که از جانب ایشان در انزلی نیابت دارد از روی حریم و احتیاط میل دارد در راه برود ولی مشکل زیرا بسگی بر حیت خارجه و سفر خارجه میل دارد و قوه به چه تا قنصل دولت همسایه از ایشان خوشتر بود چنانچه در حکومت سابق چون شکل را دارا بود

(رای یکی از دانشمندان)

یکی از دانشمندان میگوید علت بزرگی بنی مملکتها ایران این است که به طبقه از نامورین دوار دولتی در خدمت خود مخصوص محمد و نیابتند یعنی اول قسطنطنیه علم میبندد و اهل علم در معاملات قوم منتخب میسپایند و در پروسا هم در هر دو تصرف میکند فلان سردار که نام عمر خود را در ششون نگری صرف کرده روزگاری کت الپو میداند و یا شخصی که تمام سرمایه زندگانی را در مساحت بطور ماسی منسوخ کند از ذوق استیفا کما کسیر میروند فرجام آورده در ایران خط این مراتب کشته شده و این رود وضع شیعی نیز در وضع گرفته میگردانند اما در محافل احتمال در معاملات کلی است اگر چه سخن در میان دانشمندیست که تمام این مراتب را در ایران نباشند و در اروپا هم سخن در میان ذی پوشش از طبقه طبقه دیگر نقل میبندد و قدرت عالی شاهان را در ایران اختصاص یک به از نیام برده است بهر دو نیست که اگر نامورین بهر طبقه از ایشان سرشته مخصوص بنام و ترقی نامورین هر طبقه را در میان داشته باشد و همه تمام امورات ترقی کامل کرد

منظم خواهد شد چرا که تصور میباید اینک ترقی خود را منظم در یک سرشته بداند و در ترقی آن سرشته سعی خواهد کرد تا با طفل آن سرشته خود هم ترقی کند و دیگر اگر سرشته همیشه منظم خواهد بود و شخصی ناشی و کار مخرب به امور بیت ریاست آن سرشته نخواهد اشتغال معاملات اندر ایران منقل و منصب های بی ادبی که درین اوقات بهر و شود همه بواسطه غلبه محبت است اگر این غلبه محبت از نیام برده شده شود تمام امورات ایران منظم خواهد شد و این امر در صورتی ممکن است که بجای اجاره جات ادبانه در ایران قائم شود

(اصفهان)

وقایع خارج الملین مینویسد که در باب شرف آقا قای ظل السلطان بر حسب آنچه در مطاع جای یونی پانزدهم شهریور که در کتب کباب طبران فرموده چون ای حضرت شاهنشاه دل آگاه را داده قائم نمودن بعضی اداره جات مخصوص است حضور در شرف آقا قای ظل السلطان که اولین و عال نشین ایران میباشد و تجسبه به ای سی سار ایشان در محکومات ایالات بزرگ ایران اهم تر شمس است حضور بود و مهندسین عالمه اهل ایران است که حضرت ظل السلطان درین سفر استیارات بسیار میل که شایسته ابریشا هزاره بزرگ است بسیارها خواهند نمود و نایب الکومر اصفهان مکان خاب جلاتا به اهل قای کن الملک شیشا قای رکن للکک ای یک بعیت و محال است بخدمت نایب الکومر اصفهان که از بلاد منظم ایران است بپایسته روزگاری در خدمت عالمه اهل اصفهان نسبت ایشان میشد میگرد تمام بلغات اصفهان حتی بعضی که حسی از خود راضی اند از سلوک ایشان کمال خوشنوقی را دارند از آن غیره ایشان چه در اصفهان بود در دستجات عالیا که بخدمت گذرین مختصری نگه داشته اند آنها را من بعد خواهیم نوشت این امر که دیده شده که حالکی در بدی ۲۵ سال حکومت کند و عاقله مردم کمال رنایات را از او دانسته باشند نام نمی شش جاسی بود ولی دوست روز است می شایمی شده علت گرانی بود که وقت است که بسنی بنار و با کرده اند خصوصاً امردانارای دالی که شست خود بخود چارگی ده شایمی شده قتی حسام سوتی کرده در آن نه حالاً ایشان شد برات بی قی قدری کنترل کرده است این همه پویه تفران میوم بود درین مختصاتی بسیار در وقتان بر رویه بیاری از تجار بر باد شده میوم اهل ایران تصحان کلی رسیده که در وقت بلطجه بندی ضرابخانه باشد فرمای قرآن اول خود فرزند پسر و در بناد و پزند و پزند و پزند و پزند و پزند و پزند و پزند

و کرم سرفرازان را در تحت یک قانون شریعی و محلی در آورده اند که از آن طرف به
 بر تو ذمه صاف غیر شریعی نخواهد بود
 و آنهایی برادران او بود که گریه کرد که با کسی از میان ما که متعلقان نباشد
 و اندوی یک نظام و قانون همه ساله با امتحان شوند هر یک تحصیل که نامی نماند
 و از صنف خود خسته اند و فرار و عمل می نمایند و در میان اینها هم می باشد که
 جهت جلب امتیاز و کاهی از حال مسیح و یا که هدیه حضرت امیر باشند
 باید از نظر آن زه متولد شده تا پیر صد و بیست ساله اناناً و ذکورا یکی بشمار آورده
 شده و در وفا تمام می گشت قید شده و بهر یک نام و منصب سال و مشغول کار می گشت
 داده شود و کی چون دستا باشد صحنی مثل همان تذکره که با داده شود و بجا مانده تا در
 دسترماند محض قانون تحصیل که عالی و در ذوق فاضل را مجال حرکت نماند و بهر سال
 معلوم شود که بر شایسته می نماید از آن یک که در نخستین وسیله معموریت ملک است
 حسب که در حال رعایا است بهین حکم است پس حال وقت گذشت
 و مجال پیش ازین ندارم بجزی عده داده ام تا به بروم اگر حیاتی باشد در آن احوال
 ظاهر شد این همه عده سوال جواب شخص اروپائی و ایرانی

و در ساله شده و این وضع حکومت اصلاح شود چهار ساله ایران و میل فرایند
 چون گویم بنسبت مردم نفس تا نظاره اهل هست نماند نمی شوم بر وقت نظر
 در اصل و دانه شده ایم که هیچ ملاج عدا و الا از هم نیست هیچ از خاطر می رسد که
 که شخص حاج حساب او که یک تذکره در روز برای او نیست بهفت تومان شده
 بود و فخر و یاد اولی اوصاف اینها هم نتیجه نظاره اهل است و جهت نماند است
 تیمار است دولت قوت خاز و تیمار است عکس نماند تیمار است که در وقت
 تیمار است چهل بهفت لیون نفوس ایران به دوازده لیون تنزل نموده تیمار
 اوست راه را رفت نیست و درست بخت تیمار است سعادتهای کار افتاده
 تیمار است جنگها بهفت تمام شده و دشمنان ریشه اش را می کند تیمار است
 مهات جنگ نماند تیمار است و این خصص تنها بهر دست که دو کت راجع است
 است و الله همه عطفی هستیم این همه عرفت که بر ما میگذرد و این زنده گانی
 نیست تاکی آنچه خدا و ذرم و عقل و در انصاف و در همین قانون و هر که تمام آن
 و ارب در تحت پیروی بقانون شریعت است یا بخواهد

کتاب

مقاله در بیان قدری که در این چاره ای می بیند به از نظر جوانان کار آمد که با حیات
 در وقت ملک ملتند در مالک یعنی مانند بنده و شان و در سه و خاک شمالی جنگ
 و فرود روی حال که در نماند و با دلیل وطن عزیز نماینده بجایارسانی دولت در و سانی
 قوت جب تر و نفس تراز اینکای هست که هیچ این نفوس اقدام در
 اگر وقت ملاحظه شود و بطوریکه سایر دول و ملل استایک میگردند حساب این وسیله
 در روز ایران می بودند در عرض مدت پنجاه سال بقدر نفوس یک ملک است
 این عدد که در خارج هستند نفوس زیاد شده و باید در دوطرفها با اهمیت تدارک شود که
 که ابالی نسیر ایران با تجار و زات بهر بی بسایمان تمام شده فراری و سواد
 نشوند بی و صورتیکه که نیست با بیچاره رعایای ایران در خارج پشت گردانی از
 دشمنان خورده و جهت آن در دوری نماند یک سبب است در مردم و دانشم
 در خارج عسکری ایران است و او که شمشیر را که منسوبی از آنجا گرفته شده و مسیح با
 منصب آن فرج از جهان ابالی است بهر رحمت را همه زانده میسر وقت عسکرا
 بجای آمده نگاه میدارد و بار شده و چهار شده که انسان مجاب یکده الهام نماید چند
 اجانب از مردمان بکار و وضع اوقات نگاه ترانه اول اراجانغ اگر اراکت
 تا هم داخل ایران زنده است ایمان عداست هم هیچ هم او را زنده و نشود
 که من بنده عرض کنم ابالی که احوال دولت انحصار باید در وجهی باشد عرض
 نمی کنم زیرا عدا و در کم نام آن و قلیل بار زبان بر نام میار که با کلامم اگر عدا

در چیز نظیره عقلت و هم فریبستن بر وقت کفین و کفین بر وقت خاوشی
 در نماند و با زدهم گرامی نماند می شده بی تحت عنوان انبازات طلوع فارس
 مسند راج بود که اگر نه کفین و چشم که بجز کاران نوشته شده است یا بی باوسی
 همسیران بود اگر چه کافذیرانی و قاصد دوانی هرگز نشود آینه بوده است
 اخص مدت با دانه طبله جل التسن در زودین سخنان خبر نگار محمد و در پنجه
 بخرات غرامین بختیانه این کرده الزام داده است لازم است موزانچه خبر که
 عرض کنم

چند می است که از راه دو تو را می و سلف و نفس بی است ماه است خستیدگی و جوان
 آمده ام و کان هست که تاکنون وضع غرامین و عدا و مشایخ و دوری این مصداق
 با دانه بهت کرده ایم که رنگ غرامین خرمشان را از برای پاک و نماند
 تا سناک جل التسن شوم

مطلب اول گفته است که در بسیاری از قدر تنگ عمل نموده و بجای ای دیگر
 حسنه و فرزند میکنند تا اینکه ختم گرفته است که کثرت تنگ در بسیاری
 خواهد بود

مطلب دوم گفته است که در بسیاری از نفوس غرامین خستیدگی تنها از یک
 بیشتر از همه خواهد بود و لا رسا در احوال ایران با کلامی به سبب که
 (فرض با صیدی پسند رنگ است) اندوه غرامین و مردم مایا کتبی

که در قمرهای آنها هم من پس این من آکس است تا نه اواب فیا و علی حق
 دولت باشان ایشان نیستند که تحت فرمان دولت باغری شیکت حکمهای
 باطنی نمیزایان و ستان بر آبید لایبه در با کنند با و نه در بر سر سینه
 ایشان را پنهان میکنند (علم و اهر الرجال فی تعلق احوال) و در جاده
 طهای شهادت شاهنشاه سعید نورآورد مضمون از کاخ شاهی گرفته آمد و در
 کوه کلویه و فارس بر وجود اکتاف این و سواره نظام ختبیاری منظم داشته
 و چنان مدت نمایانی به دولت کرده بود مشمول در امیریکران شاهنشاهی گمان
 القاب بلند و با تاج و تاجه آند و سپاهانی گران بر او واجب آنها افزوده شد
 و پیوسته سالهاست که چند نفر از فراین نظام ختبیاری با سوار و رسمی جیره
 و طبعی دولت و اکتاف ختبیاری در کوه کربلا و غیره تها به شاهنشاهی مانده اند
 و شمول خدمت ابدت خرابی مغرورانه و شاهی قبول همانا نیز نگارم
 سرودفات آتیه ترک باطنی با در طبع اواب قیاس گرفته است و است
 باین فراین میل که تصدیق اولیای دولت حمایت در شاه پرتی میداند
 جبارت در زنده
 سلب و هم گشته است که اطفال و عورات قدزده چهار مجال ختبیاری
 مانده در هم طشی و دشمنان از شدت کرسکی و جو و تصدی فراین بجز آینه
 و غیره و جیره
 واقعا غلی جای آساف است در حالتیکه رعایای ختبیاری با حصول زرافات
 سال گذشته خود افعلی از جو و ایران را از قید بجات او اند و سنده را بخش
 بکریه را ایجا نمودند و از سابق ایام را برین مسالالت ختبیاری خاصه چهار حال
 ضرب الش و سرش مردم و دیگر از مالک ایران بستند و بعضی ایشان را با
 مردم گرم سیرت بر این تها به علامت سیاست بر این سیاست شروت بجز
 بخش است که بیعت ماری است بریت پوری است در شون ترین بر این
 بر روی من بلکه را بر فرزند است که قبل از تصرف در این ختبیاری از
 اجملات تصدیات حکام بر بخش از کرسکی بر این تها به سنده صدای خوش
 جده بگوشت نمیرسد و اینک از حسن سلوک فراین در بیعت پوری ایشان
 انحصار ماریه و ایجه و اسواق را بر بویوت نماید راهبر طیر چشم
 باطنی از ملکهای ایران است و آبادی عمارت آن درین زمان اندک
 باقیست خدی و یکجا است
 در حال حاضر کجاست و افعلی که درین است فرزندم که این چند کوه را در کوه
 کوه پیوسته و طبع بکران سلطان انجام آن خبر نگار محرم باشد اگر از روی

مدام اطلاع آن حسنات را نوشته است (مجموعه اعلام زاده بهستانی)
(جبل المیتن)

جناب مستطاب آقا میرزا محمد شیخ الاسلام زاده بهستانی را که زاده در اردبیل
 بهستان بوده که مراتب وطن شناسی دولت خدای ایشان را بکونی میداند
 چون نگارنده نشان اداره کمال وثوق دارد و کستوب ایشان را با این
 اطلاع در هیچ کسودیم از وقایع نگاران محترم امید داریم پس تحقیق کامل وقایع
 با دانه بنویسند

(اتحاد و یون عثمانی ایران)

وقایع کاجبل المیتن از بندرانزلی میسر شده بیست عمارت فوق العاده
 دولت عثمانی بر است محمد بر سیح اشاکه دارای نشان ایشان اعیان و وضع
 از اعلی حضرت اقدس و شاه ایران بوده و در الحاق با همه طهران رفته بتقدیم
 آن ایحضرت نمود و بعد از اقامت ۲۶ روزه آنجا مراجعت نموده ۵ روزی قنده
 وارد انزلی شد و پور خاص مهابرتی تا بندر بار بار با استقبال فخرت میفرشاید
 با احترام تمام وارد نمود در عین درود با سکه مخصوص صاحب منصبان نظام فخرینه
 صف زده در اسم اقدام را بطور معمول بجای آورد و جناب میرالملک امیر تومان
 که در همه جایها از سفیر کور بود و در حضرت صاحب منصبان را معرفی نمود و بعد
 وسط صف گذشته بهمارت حکومتی منزل کرد و روزی ذیقعه الهام با ابحاز
 پستو کت روس بیاد که بفرست که از با اسما قبول بروند برای استقام
 و اظهار اعلام و پور خاص مهابرتی میدق اهل متاره) کشتان علامت دو
 سینه عثمانی است بر فدا کشیده بود علامت سعادت و اتحاد این دو پادشاه
 و نجباء اسلام بکونی ظاهر و هوید است از غذا و ذکرم خواما عیم که برکتشاد
 و سعادت و سعای این دو سلطان عظیم ایشان اسلام سفیر اید آحسن نشان
 با قاق حاجت یکدیگر جهان کرد ای کاش ملت دولت اسلام زود در آت
 اوقت اسلام بر پیش نهاد و سکر و خنده اند اما از بار روی فرمان رساند
 ر بزرگ ترین آمانی وارد روی ماها اما اتحاد و اتفاق این دود دولت بزرگ

اسلام و اسلامیان است

(تجارت کوهستان)

از بیست و هشتم ثوال المکرم الی آخسه ذی قعد الحکام ۳۳ فرزند و پور
 بخار و با دی اندر و سینه وارد بند انزلی شده که مارای مال القاره روس
 بوده همچنین با ایران نیست مال القاره برانبار برونده رفته اند و در کجا
 با عاید بایه ملاد و بر روی ماه ماضیه باشد تا آتیه شود و کسایش میدهد

(فلک زدگی ایرانیان)

مثل مشهور است که هر کسی در خانه صاحبش شیر است بکس ایرانیان در بی خانه دیگران به تراز که به دور خانه خود از خودش کمتریم در عالم هیچ قوم و ملتی در خانه خود قوسی که با ایرانیان دلیل بر دمان فارجه بیستم نیست ملت انگلیس فاتح هند و عطیه فاتح بر مفتوح و زیادتی آن بر این لازم نتایج نیست و در هند و ستان نفوس آنها بسیار است ولی بجهت میکویم که لغت و خواری که مردمان ایران از دست یکی دو نامورین فارجه می بینند این پسندار ملت فاتح انگلیس نیز در کسان نیکم سببه تا بهینه

و قیام نگار اداره از شیراز میسوزند که هفت اقل در زمان جناب جلالت آقا فیضیه الملک نیز فرانس قدرت ملی نعمت خود در باغ ابرم بر فتنه دین راه و بیس انجاره دولت مشهور و لذت که بر سر حرکت گرفته بود مسعود و سکر حضرت ملازمین با یکدیگر گلگونی کرده که سینه بدنه رئیس و لذت بر این فتنه با بخود محروم از دیگری سفره حال آن شده معلوم شود که لازم آقای فیضیه اند رئیس و لذت بر فتنه با قای فیضیه الملک این سبب که نوکرهای شایسته بن بی احترامی نموده اند آقا فیضیه الملک نفس تسلیم رئیس و لذت تمام نوکرها خود را با چوب فلک در برای کرک در بجهت رئیس التجاره و لذت بر فتنه که بر یک از آنها بی احترامی کرده اند و شایسته است که آموخته از عهد بیرون می آید و بجهت داده و داده نفع آنها را نشان می کند آن بیچارگان فلک زده با چوب سببه قدری که قوه خردون داشته اند چوب تنال نموده تا اینکه تشنگی خاطر رئیس التجاره و لذت بر فتنه که در حال انصاف میسوزیم هیچ ملتی مثل ایرانیان در خانه خود دلیل و خوار جانت هستند این حال لغت ایرانی است در خانه خود آرد فارجه یعنی ملک خود سگ فروش را که رعایای ایرانی خریج می دهند دولت لذت از امارت بسیار کمال است و در اول

شمار نیست رعایای و لذت بر در فارجه از رنگ از بهر د ایران و نسل ترا که دولت تهری باشد و ما از مورین او این قسم مراعات کنیم می شود که مسل بر خرف میم کردی از دولت و لذت که با یک با آنها می گوید که ایران اگر بقاوه با برابر میستواند که ما را به برین شسته نفس تسلیم نشینی خاطر ما سوز که چاک بخرنا قابل و اینکه نه خصوص و فتوح کرده نوکر با رعایای نخستین را این قسم دلیل زبون کنیم آیا این مسکات سوا می جوی ساق رعایا و ما مورین فارجه ایرانیان و دیگر چه شمر خواهر خشیه این مسکات را که رعایا و ما مورین دول فارجه می بینند در حق این تصور نکنند آیا یک ایرانی

بعد ازین میستواند بگ آتهاج گوید آیا عرض آرد و ناموس نیت است این با خود میستواند این گونه قیامت درین عهد معدت عهد این حضرت شایسته که تمام ممشان در سنی و عزت آسایش ما با است خصوص در اوقات نورانی و حضرت فراموشی و نایب لایاکی آقا فیضیه الملک کمال تجر است که از این شسته ایم با هم میسوزیم که شرت الی فکر در اسلام خوب هر بلیست ما با یاد از لیک افغانستان که این شکسته است شرفی که می گویم با که گویم از این عهد فروتنی و خضوع و خوشی که از ما مورین در رعایای فارجه کرده و یکسکتیم هر طرفی بسته ایم بجهت اینکه تجار ت ایران را استصرف شده مملکتها جمع کرده ناموس لغت را بر باد داده رعایای ایران را در فارجه و در اولی کرده که مالک بیعه ما را استصرف شده حالا هم سائر مالک را برایش خورده و پندار روز بروز خود و در سوغ خود را در ایران زیاد نمایند و عیب خود را در طوب الی ایران می میدهند مقصود اعتراف آقا فیضیه الملک نیست فتنه از پا بند و ایران است تمام بزرگان ما این شیشه غیر رفته را در آن کسی بنا اعتراف نکنند که این در جبهه دولت خود را استکار می کنیم اولاد که دیگران قبل از ما کرده اند ما مطلع نمی باشیم دوم تعبیرات ظاهر شده و شایسته نشویم هرگز در عهد و وضع آن بیرون تو ایچم که سوم خیارا که استیلا است یا حکم ایینه را داشته باشد قیام باقیع نماید و حسن را حسن و اگر این مراتب تکلف کند در ولعته اخبار نگاری فاعل است چهارم اخبارات ایران ما اینکه نه معاملات را در ایران معمولی میند آواز روی و استکبار بسیار در نگارش این قیامت چشم پوشی می نمایند بی جسمه این ماسه در از نه و با دست این معاملات آفتابی یعنی اخباری فتوه است میسوزند و گوش نه در با دولت نمی شود و در عهد و در جشن بر نمی آید

تاسف

و قیام نگار جل اللین میسوزند بهیست و چهارم تنال بعد از نظر خشیه حجه الاسلام و السلیخ حاجی میسوزند از ابراهیم سرداری و عالی که حشر ایشان بالغ از بهشتا و بهشت و این جهان فانی را و داع فرموده داعی حق الباطن فرموده رحمانه علیه حاجی شیه صحت در بالغ از شصت سال بریاست خانه و در کج الکام طهرت استخوان بود از قوت این عالم جلیل رانی ثله عظیم و کشته بزرگ اسلام رسید از هیست سال این طرف در خطه خراسان بلکه در تمام ایران مسلم کل و جوشن منصر در سدر بود و باریکت آن مرحوم منبع فیض بود آن مرحوم عظیم و کج اندر دل بهر تاز اولاد از او نشان خلفانده شده کار در سراسر بسیار تاز عالی بر با

برای تقدیر و تقامت مطالعه اشرفه محمد حسن مدینه بیار عالی یکی در زیناد و یکی
 در سبزه یار یا کادگانده مجله مدینه سبزه یار بخیر مد لاک فرسان مثل مدینه
 سبزه یار ایشان نیست مراتب غیرات و مراتب بود و نهای آن عالم بیانی شهره آفاق
 و محل وفاق است یعنی همگفته سبزه یار که آن در موم سالی پانزده هزار تومان
 در دو بابی بسبیل و ملامت و در ده سده بن رعایت بفرموده و من آن در موم بیانی
 شش سده از تقیه اسلام عالمی آتیه بود باقیه سبزه یار که تازه نمود و فالو داد
 آنکه حکومت بیار که آن در موم یک صد و سی هزار تومان است که تمام حق
 الوند فی الجدار بصلح شعی مصالیح بجزای شریعت مدینه عالی آتیه
 باشد و صرف شده یعنی افغان از آن در موم همگفته می ارزمانه قدیم آنها را
 مانگشته بود و چیزی که محبت افغان از آنها نگارده بودند خداوندش فریق محبت
 نیش و در موم بجهت مدینه بود

(اخبارات و ظلم)

کاسه ای که با یک طاقه از سردیان بدر بار ایسه رفته بود و قتل نگار
 بالی فسادات انسیه ای او در امیر افغانان نهایت غارت و قهرام نسبت
 بنیاده دو سده ای بود و قتل طاعت او داده و غیرش فرموده اند
 هستند و نامی بود اینم کرده که عرضد اشعی بگو مت یعنی در زمانی سنگ
 پیش نمائند و اما این کار وانی بعد از وقت است چه نزدیک است شت قید
 بر سترنگ مرآه و او بیرون خواهد آمد بدون منت بخیال این امر
 موافق عقل نیست

بقول معصمه امیر و کن و الا حضرت نظام دو سال است حکم فرموده اند
 که اجبهت اخبارات اشل پوست کلبی نصف بگردن داخل بد کار وانی
 نشده و کمال انوس است
 راجه تصدق رسول الی ریاست جهانگزا بود و در دیوار خانه زانان
 (که انی) جمیعت بپایه رحمت کرده اند
 باز عمل خوف شده که اقوام سردی بر سر آینه ملاهی بار بنای موهله و
 و فیصلت جهاد کرده انسیه بیجای گویند بعد ازین همه نقصانی و کلبت
 حکومت هستند از قون بیدر تو را در دستا و جبهت که ناز بار واری آتیه
 چینی شس ساختن راه آهن ایش داده و غیره و لندی کشت و عمل مسکن
 شده کار و شروع فرموده
 حکومت هستند بجز نموده که در کارهای کلی سواهی مسامحت بزرگش
 با من راه آهن و غیره آتیه ای اگر راهها که هستند و ستان فریاد می

بیشتر که این از با حکومتان فریاد شده و مسل کارها بجات لندن سلطنت
 آن با باشد این ادب و اسطه متبوق کارخانه داران و ترقی نخت هم است
 وزیر هستند من باب (دانا تو برادران) در پارلمان الهار و همگفته که
 بسبب آن بار را نگارده است بلکه در (بلام) نظر کینه و تمسک و حکم
 ثانی نیستند از بلام بجای دیگر و زبلی اگر کردار آنها مالی اثبات معلوم
 ازین قسمی دور مالی خواهد یافت

من باب وسیع عمارت راه آهن استشن ایلی مسکن راه آهن هفت طریقه
 منظر نمود
 سه ساله از قون هند در شلو قانولین باب نگار فوج ابلع کرده و همگفته
 نوده است که بدون اجازت آمد (پاس) سبزه یار بناید نگار و در رعایت آن
 درین باب خواهد شد هر کس از اجبهتای فوج از این حکم نمره کند مورد سزا
 خواهد شد مالا بیکر و جزو اینهای بیچاره را از تقیبات سبزه یار اطمینان حاصل کرده

اگر پای بندی این حکم شود
 تمام بر همان تصور عرض داشتی درست کرده بر خلاف قانون منوده او
 در انزبل انداخته چارلو تر و حکومت پیش کرده همان شهر ابقانون او
 سرفروش نشاندند
 از روی که سری سبب نموده که در جنگ بر سبزه یار هزار نفر از طاقه
 افسریدی قتل رسیده و چهار یک از قونان جنگی آنها نیز مجموع شده اند
 عالی از افغان نیست مکن است نفعی زیاد شده باشد و چهار صد سبزه

همندار نشاندند
 در ریاست برده و یکی از قضات که غالب ایشی اچ پوت از بیانات
 شده و فوج بزرگولی آنها رفته چهار نفر از با بیان را مقتول کرده
 بحد روح و یکصد و پنجاه نفر گرفتار شده اند
 قسا و سواصل گران هستند و نشست چهار از قونان بحد مقتول بازده و بحد روح
 شده اند ولی از بزرگان دوست و جنبه هستند مقتول و همین در بحد روح
 در مقام چند نفر که از استخوان هستند در هند است امدان مکتبه بحدت
 آنکه خارج از حکم رانی و قانون انگلیس هستند بیار مکه درین بام طاقه بیست
 هند از قانون و چند نفر گرفته قیام نموده اند در میان آن مسافران
 یکی بیستای بطاوان شده و تلف میشود ماه حکومت چند نفر بحد نهایت بیست
 فری تمام مانده و اسبابا و بدون آنکه یک یا تاروان و در شش زنده از آنها
 هندستان ظاهر شود که در جاموسم این شریعت و رسم بیار بحدت بیار در هند

توسعه و تکمیل کلیه امور دولتی و احداث راه آهن و سایر کارهای مهم
 که به وسیله آن رفاه حال و تسکین خاطر مردم حاصل شود و از طرف
 این سلسله را پسندیده اند و باید دانست که این امر از طرف
 مشیرالملک دولت علیه حال که المانی است تخمین نموده که اسباب
 برآوردن این دولت مشارالیه انشود شده است
 از ملکات عثمانی بدون اجازه اسطالی اسبهای بی خارج نمیشود و تحصیل اجکم
 ایجاب میکند این ایام سفیران اسرا اجازه حاصل کرده که چند اسب بی خریداری
 کرده و پاریس روانه دارند
 از باب عالی بوزیر بحریه حکم صادر شده که فواید و منافع دولت عثمانی را
 در تب کوه جاست و قوت و سرعت رفتار هر یک را منحصرا در آن جهت
 بیان نماید
 اعلمت سلطان را منشا بقی بران است که قوه بحریه دولت عثمانی را
 بسط مثل قور بری ممتاز نماید درین سلسله دولت المان هم مشاوری
 با سلطان است که منحصرا جهت خریداری جہازات چند با انگلستان فرستاده
 تا مخزن یک چهارم خریداری شده است
کلیات
 برای کلیت در سال که است در روزگار ایران تا پیش از این هم مشاوری
 نیاریده قیامت و شست مردم کمتر شده است این امری که گوشه نشینان
 که بوده و کشنده و ناامید شده اند و درین میان که در این روزگار
 از برای تسکین حال و آسودن دل و آرامش خاطر و تسکین غم و اندوه
 نسبت به مسائل قبل در اسرار این جاها بیرون میروند و در این میان
 تا بجهت در اسرار کلان مشورت و مصلحتی که در این میان است
 در حله انبوه (دارد) بر روزگار و حال و معاشی که در این میان است
 جدید است سلطان محمد امین در این میان تا در این میان است
 که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 مشورتن که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 ضرورتی که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 زیاد هم میگویند که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 زودتر و بیشتر در این میان است و در این میان است و در این میان است
 پیشتر هم اطلاع کنی که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 میماند ولی در این میان است و در این میان است و در این میان است
 جلال الدین

توسعه و تکمیل کلیه امور دولتی و احداث راه آهن و سایر کارهای مهم
 که به وسیله آن رفاه حال و تسکین خاطر مردم حاصل شود و از طرف
 این سلسله را پسندیده اند و باید دانست که این امر از طرف
 مشیرالملک دولت علیه حال که المانی است تخمین نموده که اسباب
 برآوردن این دولت مشارالیه انشود شده است
 از ملکات عثمانی بدون اجازه اسطالی اسبهای بی خارج نمیشود و تحصیل اجکم
 ایجاب میکند این ایام سفیران اسرا اجازه حاصل کرده که چند اسب بی خریداری
 کرده و پاریس روانه دارند
 از باب عالی بوزیر بحریه حکم صادر شده که فواید و منافع دولت عثمانی را
 در تب کوه جاست و قوت و سرعت رفتار هر یک را منحصرا در آن جهت
 بیان نماید
 اعلمت سلطان را منشا بقی بران است که قوه بحریه دولت عثمانی را
 بسط مثل قور بری ممتاز نماید درین سلسله دولت المان هم مشاوری
 با سلطان است که منحصرا جهت خریداری جہازات چند با انگلستان فرستاده
 تا مخزن یک چهارم خریداری شده است
کلیات
 برای کلیت در سال که است در روزگار ایران تا پیش از این هم مشاوری
 نیاریده قیامت و شست مردم کمتر شده است این امری که گوشه نشینان
 که بوده و کشنده و ناامید شده اند و درین میان که در این روزگار
 از برای تسکین حال و آسودن دل و آرامش خاطر و تسکین غم و اندوه
 نسبت به مسائل قبل در اسرار این جاها بیرون میروند و در این میان
 تا بجهت در اسرار کلان مشورت و مصلحتی که در این میان است
 در حله انبوه (دارد) بر روزگار و حال و معاشی که در این میان است
 جدید است سلطان محمد امین در این میان تا در این میان است
 که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 مشورتن که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 ضرورتی که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 زیاد هم میگویند که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 زودتر و بیشتر در این میان است و در این میان است و در این میان است
 پیشتر هم اطلاع کنی که در این میان است و در این میان است و در این میان است
 میماند ولی در این میان است و در این میان است و در این میان است
 جلال الدین